

## پلیس (نظمیه) در دوره ناصری

صادق رحیمی کیا<sup>۱</sup>

### چکیده

به دلیل عملکرد ضعیف قوای انتظامی نظیر (داروغه، عسس، میرشب) در برقراری نظم و امنیت مطلوب در جامعه و سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا و اطلاع از وضع قوای انتظامی آن‌ها، تمایل برای تاسیس نیروی انتظامی نوین و کارآمد به سبک غرب در کشور بالا گرفت و شاه را مجبور کرد تا بر اصول و روش‌های متعارف سنتی و فرسوده نیروهای امنیتی پا بگذارد و پلیس جدید را دایر سازد. با ورود کنت در سال ۱۲۹۵ ه.ق به ایران اداره نظمیه تاسیس شد که انتظار می‌رفت تحولی عمیق و بنیادین در زمینه برقراری نظم و امنیت در جامعه سنتی قاجار شکل بگیرد. که اینگونه پیش نرفت؛ چرا که وقتی تشکیلات نوین و مدرنی وارد یک جامعه عقب افتاده و سنتی می‌شود باید زیر ساخت‌های آن نیز فراهم باشد تا بتواند عملکردی مثبت، مفید و رو به جلو برای جامعه داشته باشد. اما فقدان نهادهای مدنی، ملی و مردمی در دولت قاجار باعث شد تا این اداره به گونه‌ای بنیادین شکل نگیرد و با ورود کنت به ایران به جای حمایت و بها دادن به نیروی جدید ساز مخالف و انتقاد شدید علیه او و سازمان نظمیه برداشته شود. مسئله این پژوهش بررسی ساختار اداره نظمیه و کارکرد و جایگاه آن در زمینه برقراری نظم و امنیت شهری در سطوح جامعه قاجاریه است.

**کلید واژه:** نظمیه، قاجاریه، ناصرالدین شاه، کنت دومونت، نظم و امنیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران، دانشگاه شیراز s.rahami2018@gmail.com

## مقدمه

سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا باعث آشنایی او با مدنیت غربی شد و شاه را به ایجاد تجدد خواهی و مدرنیته در ایران تشویق کرد. در نتیجه ناصرالدین شاه به تبعیت از آن‌ها در ایران کارخانه‌جات دولتی آورد. خط راه‌آهن کشید. خطوط تلگراف ایجاد نمود و از همه مهمتر اداره پلیس یا همان نظمیه دایر کرد. در سفر اول او به اروپا و کشور انگلستان بود که با سازمان انتظامی آن شهر آشنا شد و مورد توجه او قرار گرفت. چنانکه در سفرنامه خود می‌نویسد: «از عمارت عالی و دکاکین زیاد مرغوب و میدانها گذشته تا داخل دروازه سیته شدیم. هر محله مشورتخانه دارد و اگر امری اتفاق افتد به پلیس‌باشی که گزرمه‌باشی آن محله است رجوع می‌شود او هم به وزیر داخله رجوع می‌کند. پلیس این شهر هشت هزار نفر است همه جوانهای خوب و با لباس معین، اهالی شهر زیاد از پلیس حساب می‌برند هر کس به پلیس بی‌احترامی کند قتلش واجب است» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۹۲). باید گفت که چراغ سبز ایجاد پلیس به شکل نوین از اینجا آغاز شد. اما در جریان سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا و مشاهده قوای پلیس و نظم و انضباطی که در شهر وین برقرار کرده بود تصمیم گرفت در ایران نیز چنین تشکیلاتی را به وجود بیاورد و آن را عملی کند. که با ورود کنت به ایران این رویای شاه تحقق یافت و رسماً شروع به کار کرد. افضل‌الملک در خصوص نام این اداره می‌نویسد: «اسم این اداره در ایران «نظمیه» و در خاک دولت عثمانی «خبطیه» و در ممالک اروپا «پولیس» است» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۹۴). در دوره کنت پلیس نتوانسته بود آن انتظاری را که شاه و دیگران داشتند بر آورده کند. امین‌الدوله متعقد است که: «بنیان عمل و اصول محل با مقصود مطابقه نداشت» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۵۶). نیروی امنیتی سابق بعد از تاسیس نظمیه به عنوان زیر دستان این اداره همچون گذشته به کار خود ادامه می‌دادند؛ چرا که اولاً این اداره در بدو تاسیس یک اداره کوچک و محدود به شمار می‌رفت و در ابتدا فقط مختص شهر تهران بود. دوماً تعداد افراد این اداره بسیار کم بود که بخواهند تمام مناطق شهر را پوشش دهند. این پژوهش بر آن است تا نشان دهد که نظمیه تا چه توانست کارآیی خود را در زمینه امنیت نشان دهد و آیا نظمیه جایگزین کارآمد و ارزشمندی برای مناصب سنتی گذشته بوده یا نه؟

در زمینه پیشینه پژوهش گفتنی است که در حوزه انتظامی اداره نظمیه در دوران قاجاریه پژوهش‌هایی صورت گرفته است از جمله «تطور ساختار و تنظیمات انتظامی دوره قاجاریه اثر نوذر امین صارمی» (۱۳۹۴)؛ یا مقاله «بررسی تشکیلات انتظامی ایران و روند تغییرات آن در دوره قاجار اثر ثواقب و هادی» (۱۳۹۴)؛ که تنها به گوشه‌ای از تاریخ اداره نظمیه در دوره قاجار پرداخته است. اما آنچه گفتنی است اینکه هیچکدام از این پژوهش‌ها به شکل خاص و جدی سازمان نظمیه را در دوره ناصری مورد بحث و واکاوی قرار ندادند. بنابراین این پژوهش بر آن است تا چرایی و چگونگی تاسیس

این اداره را از سوی ناصرالدین شاه بررسی و ساختار این اداره و علت ناکامی آن را در دوره ناصری بیان کند.

### تشکیلات پلیس قبل از نظمیّه

حکومت تهران مسئول اداره امور تهران بود. حفظ نظم و امنیت نیز از وظایف همین نهاد حکومتی شمرده می‌شد. هر حاکم یک پیشکار یا معاون داشت که اصطلاحاً عنوان وزیر بوی اطلاق می‌شد. زیر نظر او کلانتر شهر و زیر دست کلانتر شهر کدخدایان محله‌ها خدمت می‌کردند (سیفی، ۱۳۶۲: ۳۵). کدخدایان اجازه داشتند که مانند روسای پلیس به عرایض مردم رسیدگی کنند تا حقدار را به حقشان برسانند. به گونه‌ای که در حق کسی ظلم نشود. بنابر اختیاری که بر عهده کدخدایان گذاشته شده بود، وی می‌توانست مجرمان را جریمه یا مجازات نماید. اما در صورتی که خطا متهم سنگین بود وی را به نزد حاکم شهر می‌برد تا او در این باره تصمیم بگیرد (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۵۵، ۱۵۴). مسئول انتظامات شهری و برقراری نظم و امنیت بر عهده داروغه بوده است که در حقیقت همه کاره است و از قدرت زیادی برخوردار بود. سختگیری‌ها و مجازات‌های داروغه باعث می‌شد که تا حدودی جامعه از نظم و انضباط بالایی برخوردار شود (اوبن، ۱۳۶۳: ۶۵). اما آنچه در تحقیقات دوره صفویه تا قاجاریه در مورد داروغه مشاهده می‌شود این است که داروغه خود در بیشتر مواقع شریک دزدان و رفیق قافله بوده است. داروغه بیشتر منفعت خود را در خالی کردن جیب مردم بی‌گناه می‌دید تا اینکه به برقراری نظم و امنیت در جامعه بپردازد. حفاظت از بازار و نگهبانی بر پشت بام‌های شهر از وظایف عسس‌ها بوده است. در کنار عسس، میرشب قرار داشت که مامورین مسلح بشمار می‌رفتند و برای حفظ امنیت شهرها انجام وظیفه می‌کردند (حسن‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۳۶). سابقه ایجاد تشکیلات پلیس به شکل نوین برای تامین حفظ امنیت شهرها به دوران صدارت امیرکبیر در زمان سلطنت ناصرالدین شاه بر می‌گردد. به گونه‌ای که او یکی از پیشگامان استقرار نظم و امنیت در شهر تهران شناخته می‌شود. امیر برای امنیت شهر تهران و حفظ جان و مال مردم دستور داد چهل قراول‌خانه در نقاط مختلف شهر بنا شود. همچنین برای هر دروازه شهر نگهبان معلوم کرد. در برخی شهرهای ایران نیز در زمان او قراول‌خانه‌های برای پاسداری از آرامش و آسایش مردم ساخته شد. مانند سی قراول‌خانه در شهر مشهد و بیست پنج قراول‌خانه در شهر شیراز. برکت وجود این قراول‌خانه‌ها باعث شد که امنیت تازه‌ای در کشور شکل گیرد. به گونه‌ای که کسب و کار مردم رونق گرفت، تجارت پیشرفت کرد، راهزان دست از راهزنی برداشتند و هر کس شغلی برای خود پیدا کردند، عشایر مرزی که به خاطر ناامنی و آشوب‌ها به کشورهای همجوار کوچ کردند به داخل کشور بازگشتند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۲۷). پس از امیرکبیر میرزا حسن‌خان سپهسالار نیز برای ایجاد امنیت شهرها قراول‌خانه‌ها را سرو سامان داد. اعتماد السلطنه در این مورد نوشته است: «به واسطه‌ی قراول‌خانه‌ها که در هر نقطه شهر دارلخلافه ساخته شده بود به نظم شهر افزود و مقرر شد در سایر بلاد نیز

قراولخانه بسازند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۱۲). اما آنچه به نظر می‌رسید این است که این قراولخانه‌ها به مانند مناصب انتظامی دیگر در زمینه ایجاد نظم و امنیت در کار خود موفق نبودند؛ چرا که آوردن کنت دومونت فرت برای اداره پلیس از اندیشه‌های مشیرالدوله بوده است (سیفی، ۱۳۶۲: ۴۶).

#### نظمیه در دوره ناصری (کنت دومونت فرت)

ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به فرنگ در سال ۱۲۹۵ ه.ق کنت دو مونت ایتالیایی را برای ایجاد پلیس جدید به سبک پلیس اتریش استخدام نمود و به ایران آورده است تا به نابسامانی‌های گذشته در زمینه‌ی امنیت شهری پایان دهد. دولت‌آبادی در این زمینه چنین می‌نویسد: «ناصرالدین شاه از سفر اروپایی ارمغانی آورده است که اداره پلیس در طهران تشکیل داده به ریاست یک نفر که خود را کنت می‌خواند. این اداره تازگی دارد و البته هر تازگی لذتی دارد» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴۹). کنت در این زمان از سوی ناصرالدین شاه به شغل شحنگی شهر و پاس بیوتات و اسواق درالخلافه شهر پرداخت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۴). این موضوع نشان دهنده این است که نظمیه آمده است تا جایگزین داروغه و زیر دستان وی شود؛ چرا که داروغه تا قبل از کنت این وظیفه را بر عهده داشته است. آنچه به نظر می‌رسید این اداره در کشورهای اروپایی از قدرت و اختیارات زیادی بر خوردار بود. اعتمادالسلطنه در مورد اهمیت و اقتدار این اداره در دول بیگانه چنین بیان می‌کند: «این اداره در دولت‌های مغرب زمین (اروپا) و ینگگی دنیا (آمریکا) اهمیت عظمی دارد. حتی در دولت انگلیس، اگر کسی بر پلیس تجری کند و تجاسر و رزد واجب القتل است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۴). پس این امید می‌رفت که با وجود این اداره از ظلم و ستم‌های داروغه و زیر دستان او جلوگیری شود. کنت به محض ورود به ایران شروع به تخریب قراولخانه‌ها کرد و به زودی توانست جایگاه خود را در میان مردم و خصوصاً ناصرالدین شاه پیدا کند. امین الدوله در این باره می‌نویسد: «زمانی که کنت وارد ایران شد خیلی زود خود را با مردم و حکومت سازگار کرد و با ظاهرسازی و حقه بازی و نیرنگ بازی خود را در دل هر طبقه‌ای جای داد» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۵۶). اما نمی‌توان گفت که شخص کنت چنین هدفی داشته است. در واقع کنت سعی داشت تا به مرور زمان اوضاع و احوال خراب تشکیلات پلیس را سرو و سامان دهد. به گونه‌ای که کنت تلاش زیادی به خرج داد تا اداره پلیس را که زیر نظر کامران میرزا که شخصی اخاذ و رشوه خوار بوده خارج کند. که بعدها موفق به این کار شد و توانست تا حدود زیادی از اختیارات کامران میرزا بکاهد (حسن‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۴۱). پس از تدارک مقدمات کار در روز ۱۶ ذیقعد نخستین تابلوی شهربانی در سر در عمارتی واقع در ابتدای خیابان الماسیه (باب همایون) نصب گردید. در تابلو، عبارت «جلیلیه پلیس دارالخلافه و احتسابیه» نقش شده بود. ناصرالدین شاه در روز افتتاح اداره پلیس دارالخلافه شرکت نمود و گشایش اداره پلیس و احتسابیه رسمیت یافت و مردم از همان روز با واژه پلیس آشنا شدند. از نوشته تابلو چنین بر می‌آید

که تکالیف شهربانی و شهرداری در یک واحد تمرکز داشته و کنت در بدایت کار هم پلیس یعنی شهربانی و هم رئیس احتسابیه یعنی شهردار تهران بوده است. در همان سال کنت نظاماتی را که به کتابچه قانون معروف شده به شاه ارائه کرد. با تصویب این نظامنامه دیری نگذشت که اداره جلیلیه پلیس دارالخلافه به «وزارت نظمیه» تبدیل گردید و صورت و قیافه تازه‌تری به خود گرفت (سیفی، ۱۳۶۲: ۵۶). زمانی که کنت رئیس پلیس دارالخلافه شد مورد توجه ویژه ناصرالدین شاه قرار گرفت و همواره از سوی وی به نشان‌ها و حایل‌ها سرافراز می‌شد. کنت در زمان خدمت به لقب «نظم الممالکی» و امتیاز «امیر تومانی» و منصب «سرتیپی دوم» سرافراز شد. حتی از سوی دولت عثمانی نشان «درجه سوم مجیدی» که این نشان مختص عثمانی‌ها بود را دریافت نمود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۳۱۱، ۲۰۰۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۴). اداره نظمیه ابتدا در خیابان خلیل آباد بود اما از شر قزاقخانه که مامورانش دائم مزاحمت‌های برای آن اداره درست می‌کرد آن را به میدان توپخانه که محل امن‌تری بود نقل مکان دادند (شهری، ۱۳۷۱: ۸۲).

گرفتن دزدان در شب، حفظ و حراست از محلات و دکانین در شب، برخورد باعربده جویان، امر و نهی به فحاشی و گرفتن زنان بدکاره در صورتی که فساد بر پا شده باشد بنا به گفته‌ی افضل‌الملک تمام به عهده اجزای اداره نظمیه است که در جمیع محلات تهران شبانه روز منتشر و مقیم هستند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۹۴). دولت‌آبادی از وظیفه دیگر نظمیه سخن می‌گوید که تا آن زمان در دولت قاجاری وجود نداشته است و برای اولین بار بود که از آن استفاده می‌شد. آن هم نوشتن عنوان روی پاکت در مراسلات شهری. به گونه‌ای که نوشتن عنوان فقط برای نامه‌هایی بوده است که به شهرهای دیگر و یا خارجه فرستاده می‌شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴۹). در مقابل کنت و اقداماتش گروه‌های مختلف شهری و بزرگان دولت ساز مخالف با او زدند. از جمله شخص اعتمادالسلطنه که هم نسبت به شخصیت خود کنت خصومت داشت و هم از رفتار و عملکرد نظمیه ناراضی بود. دلیل ناراضیتی اعتمادالسلطنه عدم برقراری امنیت در شهر در مقابل پول و هزینه‌های زیاد نظمیه بوده است. در خاطرات اعتمادالسلطنه آمده است: «در این مدت هشت نه سالی که اداره پلیس در طهران بدبختانه تشکیل شده و قریب چهارصد هزار تومان پول دولت مخارج این اداره شده تنظیمات بلدی شهری همان است که بود فرقی که کرد این است کدخدا محلات آن وقت غالباً مردمان سالخورده باتجربه ای بودند حال جوان‌های فرهنگی مآب» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۱۵، ۵۷۵). شخص بعدی کامران میرزا پسر شاه و حاکم تهران بوده است که همواره با شخص کنت اختلاف عمیق داشت. عین‌السلطنه در مورد شخصیت فاسد کامران میرزا می‌نویسد: «کامران میرزا به هیچکس رحم نمی‌کند و انگار که تمام افراد از هر قومی دشمن اوست. هیچکس از او خوبی و نیکی ندیده است و خداوند تلافی کند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۶۰۵). علت این اختلاف در واقع محدود کرد اختیارات حاکم از سوی کنت بوده است. که ناراضیتی کامران میرزا را از ایجاد پلیس در تهران فراهم ساخت (حسن‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۴۱).

مخالفتان دیگر کنت علما آن دوره بودند که بعدها فشار این گروه باعث عزل کنت از ریاست نظمیه شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۵۲۰). یحیی دولت‌آبادی نیز در واقع وجود اقدامات مختلف کنت در تهران و خود سری او و فساد نظمیه را باعث ناراضایتی مردم و درباریان از وی می‌داند و چنین می‌نویسد: «البته تنظیمات به همه جا راه دارد و بسیاری از مقامات بر می‌خورد و لکن به ملاحظه خارجه بودن رئیس اداره تحمیل می‌نمایند» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴۹). از فساد و ناکارآمدی نظمیه در زمان کنت می‌توان به این مسئله اشاره کرد. هنگامی که جلیل میرزا فرزند نادر میرزا از شاهدگان قاجاری به خانه خود مراجعت می‌کرد توسط پلیس محله سنگلج بی‌جهت دستگیر می‌شود. آنگاه او را به خانه کدخدا مست می‌برند. کدخدا به دلیل کینه‌ی قبلی که با وی داشت او را به طرز فجیعی به قتل رساند. شاهدگان قاجاری که از این قضیه مطلع می‌شوند به کدخدا که در بازداشت به سر می‌برد حمله و او را به میدان ارگ بردند و زنده زنده آتش می‌زنند. این اشتباه از سوی نیروی پلیس باعث می‌شود که ناصرالدین شاه خطاب به کنت دو مونت اعلام کند که محبس پلیس موقوف باشد نه در خانه خود کنت و نه در خانه کدخدا محبس نباشد محضر باشد به محبس دولتی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۵۴۷). در واقع باید گفت همان بی‌نظمی‌ها که تا قبل از تاسیس نظمیه در زمان کنت وجود داشت بعد از او نیز وجود داشته و نظمیه در انجام امور محول شده به آن عملاً ناکارآمد بود. سرانجام کنت پس از چهارده سال خدمت در ایران بر اثر دسیسه‌ها و تحریک عده‌ای از درباریان و روحانیون از سمت خود معزول گردید. فووریه دلیل برکناری کنت از اداره پلیس را ناتوانی او و نیروی‌های تحت امرش در سرکوب شورش و پیش‌بینی نکردن آن اعلام می‌کند (فووریه، بی تا: ۳۴۰). اما آنچه مسلم است وجود مخالفتان متعدد و ناراضایتی مردم از او باعث عزلش از این اداره تازه تاسیس شد. بعد از عزل کنت او همچنان در دستگاه قاجار خدمت می‌کرد و از دولت ایران مواجب دریافت می‌کرد. افضل‌الملک می‌نویسد: «که کنت هنوز زنده است و نوکر دولت ایران است؛ ولی امروز شغل و عملی ندارد، جز آنکه به غلط مواجب گزافی می‌برد و وجودش مثرم ثمر نیست» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۹۴).

#### نظمیه بعد از کنت

پس از کنت معاون او نظم الدوله مدتی ریاست نظمیه ایران را بر عهده داشت. در پیشرفت شهر طهران زحمت‌های بسیاری کشید. از جمله قدغن کرد که هر صاحب خانه یک چراغ دیوار کوب نفتی، شب‌ها در سر درب خانه خود روشن کنند که از یک جهت خوب بود. این اقدام باعث می‌شد که کمتر دزدی در محله‌ها رخ دهد. اما یک مشکل داشت این چراغ‌ها خود به وسیله دزدها به سرقت می‌رفتند (سپهر، ۱۳۸۵: ۹۳). پس از او میرزا عیسی وزیر، ریاست نظمیه را عهده‌دار شد که در وبایی فوت کرد و به جای او مختارالسلطنه پیشکار ظل السلطان این سمت را عهده‌دار گردید. سازمان شهرداری و شهرداری مراکز استان‌ها در زمان این شخص صورت مستقلی پیدا کرد ولی بر حسب

پیشنهاد نایب السلطنه رضا بالا ریاست نظمیته تهران منصوب گردید. ولی در واقع رژیم و تحریم تنباکو و شورش اهالی پایتخت به موجب دستور او پلیس‌ها به سوی شورشیان تیراندازی کردند و جمعی کشته شدند آقا بالاخان معزول و حاج سعدالسلطنه سپس اعظم‌السلطنه این شغل را عهده‌دار شدند. در این زمان ماموران انتظامی شهر را سر درمداران عهده‌دار بودند و شب‌ها تا صبح با فریاد یا قدوس و بیدار باش یکدیگر را خبر می‌کردند (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۲۳۱، ۲۳۰). بعد از انقلاب مشروطه ریاست نظمیته به یفرم‌خان ارمنی که از سران مجاهد قفقاز و از حزب دانشناکسویین بود رسید. وی تلاش زیادی را به منظور حفظ نظم و امنیت شهر انجام داد و گروه‌هایی را که باعث بی‌نظمی می‌شد به سختی مجازات می‌کرد. کسروی در این باره می‌نویسد: «یفرم‌خان که ریاست نظمیته را داشت بخوبی از عهده کار برآمد و شهر را بسامان می‌داشت. مجاهدانی که در شهر طهران بودند در برخی مواقع ناامنی و نابسامانی ایجاد می‌کردند به گونه‌ای که دو مجاهد یک نفر را کشتند که توسط نظمیته دستگیر و مجازات شدند» اگر این گونه مجازات‌ها نبود ناامنی و آدم کشی بیشتر می‌شد (کسروی، ۲۵۳۵: ۷۳). در پی ناکارآمدی نیروی ایرانی بر ریاست نظمیته تصمیم بر آن شد که از مستشاران سوئدی استفاده کنند که در کار خود بی‌نظیر بودند. بنابراین اداره نظمیته به وستداهل سوئدی رسید که باعث تحول بنیادین در نظام اداری نظمیته شده بود. سرانجام وستداهل و گروه سوئدی او بعد از ده سال خدمت توسط رضاخان از ریاست نظمیته اخراج شد و سرهنگ محمدخان درگاهی که تا این موقع رئیس دژبانی بود به ریاست نظمیته انتخاب شد. دلیل حذف سوئدی‌ها توسط رضاخان این بود که اولاً با وجود آن‌ها نمی‌توانست پایتخت را کاملاً در دست داشته باشد. دوماً اهدافی را که در سر داشت مثل خلع قاجاریه را نمی‌توانست با وجود آن‌ها به مرحله اجرایی برساند (مستوفی، ۱۳۸۸: ۵۸۲).

### سازمان اداره پلیس

با تاسیس اداره نظمیته لازم و ضروری می‌رفت که با توجه به مدرن بودن آن، تشکیلات جدیدی هم دایر شود تا هر کدام در حوزه مربوط به خود انجام وظیفه کنند. این کار باعث به ثمر رسیدن سریع تحقیقات در نتیجه‌ی کار می‌شد. اعضای پلیس و احتسابیه روی هم رفته در دارالخلافه ۴۶۰ نفر بودند که در بخش اداری و گشت‌زنی به خدمت می‌پرداختند (شمیم، ۱۳۸۷: ۳۲۸). ناصرالدین شاه برای اجزای پلیس هم سلسه مراتب نظامی و هم مواجب دیوانی در نظر گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۴). اعضاء و بخش‌های اداره پلیس در زمان کنت عبارتند از:

کنت دومونت فرت؛ سرتیپ و رئیس کل ادارات پلیس و احتساب

عباسقلی‌خان؛ سرتیپ نایب کل اداره

میرزا ابوتراب‌خان؛ سرهنگ نایب اول و مترجم و منشی آجودان و تحویلدار کل اداره پلیس و

احتساب

میرزا سید یوسف؛ سرهنگ مستشار اول رئیس محله سنگلج

حسن خان؛ مستشار داروغه بازار

میرزا محمد حسین؛ مستشار رئیس محله بازار

عباس قلی خان؛ رئیس محله عودلاجان

میرزا سید احمد؛ رئیس محله بازار

میرزا عبدالریم خان؛ مستشار محاکمات کلانتر اداره نظمیه

میرزا حسن خان؛ مستشار منشی مدیر استنطاق و خازن ملبوس اجزای پلیس

آق لرخان؛ سرهنگ متصدی امور مسروقات شهر

سلطان قلی خان صفوی؛ مستشار عمل مسروقات

میرزا آقا یاور؛ نظام جدید. اجزای احتسابیه دویست و شصت نفر، نواب محلات پنج نفر (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷:۲۰۹۶). باید گفت کسانی که به افراد پلیس توهین می‌کردند تنبیه شدید می‌شدند. در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه آمده است هنگامی که اسماعیل بزاز در حضور شاه از کنت بدگویی کرد. کنت به داروغه شهر سپرد که آن فرد را دستگیر و مجازات کنند که اینگونه نیز شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰:۲۳۱). بعضی مواقع اجزای پلیس مورد ضرب و شتم قرا می‌گرفتند (رضایی، آذری، ۱۳۷۷:۲). یا بدتر از آن به قتل می‌رسیدند. چنانکه یک نفر از اجزای پلیس توسط مظفر الممالکی و نوچه‌های او که از لوطیان و مستیان محله بود به قتل رسید (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴:۸۷۹).

### پوشاک، درجات، بودجه، عزل و نصب نظمیه

پوششان کلاهی پشمی با نشانی پهن، برگ خرما، دکمه برنجی شیر و خورشید، سردست مغزی دار مخملی بنفش، اونیفرمی زیبا، شلواری گالیفه، چکمه‌ای ورونی، کمربند و حمایل چرمی و باتوم لاستیکی که چوب قانون می‌گفتند در پهلو (شهری، ۱۳۷۱:۸۱). کرزن تعداد نفرات اداره پلیس را در زمان کنت سیصد نفر اعلام و پوشش اداره نظمیه را بسیار جذاب و جالب و توجه برانگیز معرفی می‌کند (کرزن، ۱۳۷۳:۴۳۹). با تشکیل اداره نظمیه آیین‌نامه‌ای هم برای آن تنظیم کرد. مطابق آن آیین‌نامه پلیس مورد اشاره، لباس رئیس کل نظمیه که درجه سرهنگی داشت و کلیه افسران، یک شکل بود. درجات از روی یراق سردست و سر دوش معلوم می‌شد. لباس آژان پلیس نیم تنه و شلوار سورمه‌ای بود و روی بازوی راست درجات وی مشخص شده بود. ۳ درجه نوار آژان درجه ۱، ۲ درجه نوار آژان درجه ۲، ۱ درجه نوار آژان درجه ۳ را نشان می‌داد (سیفی، ۱۳۶۲:۲۶۸). همچنین کنت برای گزیده درجاتی مانند باشی، دهباشی، رسدباشی، پنج‌باشی منظور کرد (یکرنگیان، ۱۳۳۶:۲۳۰). بودجه نظمیه در زمان کنت دو مونت مشخص نیست و بعضی آن را زیاد و بعضی آن را کم می‌داند. مثلا اعتمادالسلطنه اعتقاد دارد که این اداره مخارج زیادی داشته و نزدیک چهارصد هزار تومان پول



صرف این اداره و کارکنان آن شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۵۷۵). اما کاساکوفسکی بودجه نظمیۀ ۱۹ هزار تومان در سال می‌دادند و می‌گویند که این بودجه به مانند سایر هزینه‌های دولتی از صندوق کلیه درآمدهای دولت پرداخت نمی‌شود بلکه از محلی است که برای بودجه شهربانی در نظر گرفته شده است. این نشان می‌دهد که افسران پلیس بودجه اختصاصی به خود ندارند و همین بودجه کم آن‌ها باعث شده تا این اداره کارآیی لازم را نداشته باشد و ماموران نظمیۀ انواع روش‌های را برای خالی کردن جیب مردم در نظر بگیرند (کاساکوفسکی، ۲۵۳۵: ۱۰۶). محلی که برای بودجه شهربانی در نظر گرفته شده همان مالیات مخصوص وضع شده بر مشروبات و تریاک و جریمه‌های نقدی از افراد بوده است. از زمان کنت تا زمان یفرم‌خان وضع به همین منوال بود (یکرنگیان، ۱۳۳۶: ۱۴۴، ۱۴۳). این نکته را باید افزود که خزانه دولت قاجار در زمان ناصرالدین شاه نسبت به پادشاهان دوره گذشته بیشتر بود؛ چرا که ناصرالدین شاه راه‌های جدیدی را برای پر کردن خزانه خود عملیاتی کرد. در عزل و نصب‌ها پول می‌گرفت. هنگام مهمانی شدن از سوی بزرگان پول می‌گرفت. هر کس فوت می‌کرد پول می‌گرفت و از همه مهمتر از فروش مناصب و القاب به بزرگان پول دریافت می‌کرد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۱۴۹). حتی پیشنهاد شخص کنت در زمینه مالیات به ناصرالدین شاه باعث شد که سالیانه مبلغ ۲۰ هزار تومان به جیب دولت برود. اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «دیشب که در حضور شاه بودم کتابچه کنت می‌خواند سالی بیست هزار تومان بر مرد شهر تحمیل می‌شود خانه‌های نمره اول سالی یک تومان، نمره دوم پنج هزار الی دوهزار و دکاکین و خانان هم به همین ترتیب گرفته شود. مال اینکار چه باشد نمی‌دانم» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۶۷۴). رئیس نظمیۀ در پایتخت بتصویب وزیر داخله (کشور) و فرمان همایونی (شاه) منصوب و منفصل می‌شود. روسای نظمیۀ سایر شهرها بمعرفی حاکم محل و بحکم وزیر کشور منصوب و منفصل می‌گردند. اما هرگاه ولایتی جزء ایالتی باشد نصب و عزل رئیس نظمیۀ کرسی آن ولایت بمعرفی حاکم به حکم فرمانفرما خواهد بود. نصب و عزل معاون رئیس نظمیۀ و کدخداهای محلات در پایتخت به معرفت رئیس نظمیۀ و تصویب حاکم است و در سایر شهرها به معرفت رئیس نظمیۀ و امضاء حاکم صورت می‌گیرد (سیفی، ۱۳۶۲: ۲۴۹). افضل‌الملک نیز در مورد عزل و نصب رئیس نظمیۀ تهران می‌گوید: «که اداره نظمیۀ تحت حکومت تهران است. خود رئیس نظمیۀ مستقلاً طرف نصب و عزل و امر ونهی سلطنت نیست؛ باید در تحت ریاست و امر و نهی حاکم تهران باشد» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۹۴).

### اقدامات مثبت و منفی نظمیۀ

کنت یک سال بعد از استخدام در سال ۱۲۹۶ ه. ق کتابچه قانون «نظمیۀ و امنیۀ و بلدیۀ» را نوشت و آن را به تایید شاه رساند. وظایفی که کنت برای اداره پلیس در نظر گرفته بود بسیار گسترده و متنوع بود و قدرت بسیاری به آن قوا تفویض می‌شد. این قوانین برای مقابله با جرایم و تخلفات و

همچنین کاهش آن لازم و ضروری بوده است. از وظایف نظمیه، ثبت آمار طلاق و ازدواج، نظارت بر کار ساختمان سازی برای حفظ حریم کوچه‌ها و معابر، جلوگیری از فساد و تقلب سکه، کنترل خروج ورود مردم به شهر، روشنایی شهر، دادن مجوز به اشخاص برای راه اندازی کسب و کار جدید بوده است (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۲۴). یکی دیگر از وظایف پلیس که در فصل هفدهم کتابچه کنت آماده است مبارزه با بد مستی و فروشندگان شرب می‌باشد. کنت اعلام می‌کند که چون دیگر مجازات و تنبیه قادر نیست که جواب اینگونه افراد را بدهد پس لازم می‌باشد که از این ماده مالیات سنگین گرفته شود. که دو جنبه مثبت دارد اولاً این کار باعث بالا رفتن قیمت شرب می‌شود که هر کسی توان خریدن آن را ندارد. دوما پول گزافی به جیب دولت و اداره نظمیه می‌رفت (سیفی، ۱۳۶۲: ۶۵، ۶۶). در مورد برخورد با بدمستی باید گفت که بنا به گزارش‌های نظمیه دیشب چند نفر قاپوچی در حوالی دروازه حضرت عبدالعظیم مست کرده هر کوی می‌نمودند اجزای پلیس می‌رسند حضرات فرار می‌نمایند. رئیس محله به کاظم‌خان بانی اطلاع می‌دهد، مشارالله فرستاد آن‌ها را گرفته و تنبیه می‌کند تا احدی در مناطق باز و شهری دیگر به این کار زشت و ناپسند روی نیاورد (رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۲۶۴). از اقدام دیگر آن‌ها برخورد با قاچاقچیان تریاک و معتادان بود. چرا که قبل از تاسیس اداره نظمیه نیروی انتظامی با این نوع مجرمان برخورد نمی‌کردند و تریاک کشیدن عموماً جرم محسوب نمی‌شد. اما با تشکیل نظمیه تریاک کشی به عنوان جرم یک بند از کتابچه را به خود اختصاص داد. که مجازات آن یک سال حبس بود (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۲۵). در واقع باید گفت برخی از اصول مربوط به کتابچه قانون کنت توسط اداره نظمیه پی‌گیری شد. از جمله برخورد با ارازل و اوباش، دزدها و برخورد با نوکرها (رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۷۱۲، ۷۴۸، ۷۴۶، ۲۴۶). یا طرح روشنایی شهرها که بعدها عملی شد (سپهر، ۱۳۸۵: ۹۳). چنانکه در دستخط خود به امین السلطان دستور می‌دهد که چراغ‌های شهر را با نفت روشن کنند. این روشنایی باید شش تا هفت ساعت در شب باشد (صفائی، ۲۵۳۵: ۲۲۶). این طرح توسط شعبه نظیف عملی شد و وظیفه آن نفت‌گیری و روشن کردن چراغ‌های شهر بود (مستوفی، ۱۳۸۸: ۳۲۱). اما برخی پیگیری نشد و به حال خود رها شد. مثل تربیت مجرمین در زندان‌ها. کنت پیشنهاد داد که در انبار دولتی (زندان) محلی بنا شود مشتمل بر پنج باب، شامل حجاری، نجاری، اره‌کشی، خیاطی، کفاشی. تا هر فرد بر اساس استعداد خویش وارد آن مشاغل شود. این طرح چند دستاورد مثبت داشت. اولاً زندانیان در زندان افسرده نمی‌شوند. دوما بنه‌ی آن‌ها سالم می‌ماند. سوماً اینکه غرور افراد بالا مقام و یا فرزندان بزرگان ایل که منبع درگیری و نزاع‌ها بودند خورد می‌شد (سیفی، ۱۳۶۲: ۶۷). باید گفت مباحث اولی به این دلیل عملی شد که از یک سو این اقدامات نظم و امنیت را در جامعه بالا می‌برد. نظم امنیتی که لازمه حکومت کردن ناصرالدین شاه بود و از سوی دیگر مجرمین جرمیه می‌شدند و خزانه دولت سنگین تر می‌شد. به طوری که اخذ جریمه یکی از مجازات‌های بود که با ایجاد اداره نظمیه در تهران باب شد. در مورد

دومی می‌توان گفت که شاید دولت در این زمینه مشتاق هزینه کردن نبوده؛ چرا که سودی برایش نداشت. در واقع شاید هر طرحی که به سود دولت بود مورد استقبال قرار می‌گرفت. از دست‌آوردهای این اداره به ظاهر مدرن، ایجاد دایره کمیسریا یا کلانتری به شکل امروز بوده که وظیفه حل اختلافات و دعوایی کوچک را در آن دوره بر عهده داشت (حسن‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۴۶). این اقدامات از سوی او و اداره پلیس نشانده برخورد شدید کنت با خلافکاران، عربده کشان و هنجارشکن‌های جامعه بوده است. به گونه‌ای که امید می‌رفت که فصلی نوین در تاریخ نیروی انتظامی ایران به وجود بیاید و مردم را از شر اینگونه افراد نجات دهد. اما اقدامات آن‌ها در عمل چیز دیگری بود. آن‌ها به جای برخورد با برهم زندگان امنیت گاه خود در ردیف دزدان قرار می‌گرفتند و به بهانه‌های مختلف مردم بدبخت را روز به روز فقیرتر می‌کردند. ناظم‌الاسلام در مورد فساد اداره نظمیه چنین بیان می‌کند: «در زمان حکومت نظامی هنگامی که دو ساعت از شب گذشته بود احدی از خانه خود خارج نمی‌شد. مساجد تعطیل و دکان‌ها زود بسته می‌شدند. این کار باعث شده بود که دخل نیروی نظمیه کاهش یابد بنابراین آن‌ها دست به کار شدن و مسیر آب را که در آن زمان کمیاب بود را به خانه‌های مردم انتقال می‌دادند. صاحب‌خانه‌ها برای این که جلوی جریان آب را بگیرند که مبادا خسارتی به خانه‌ها وارد شود از خانه خود خارج می‌شدند. که فوراً توسط پلیس دستگیر و جریمه می‌شدند» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۴۱۴، ۴۱۳). امین‌الدوله در نقد نظمیه تحت فرمان کنت می‌نویسد: «مردم را به بهانه جویی می‌گرفتند و جزای نقدیه از عواید مشروعه بود. محترمین را به غیر حق معترض می‌شدند و دادرس نداشتند. زن‌های مسلمان را به محبس پلیس می‌کشیدند، در زجر و شکنجه جان‌ها تلف می‌گردیدند. نه از طرف دولت پرسش بود نه علما اعلام نهی از منکر می‌کردند نه مردم به صدا می‌آمدند» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۵۶). باید گفت که عدم نظارت بر پلیس جدید، بی‌برنامه‌ریزی در پرداخت حقوق، حقوق کم و نداشتن منبع درآمد مشخص باعث چنین بی‌برنامه‌ریزی‌های شده بود. که نتیجه آن بی‌بند و باری و فساد برای اداره نظمیه بود. به گونه‌ای که آن‌ها را به رشوه‌خواری و ادار کرده بود. دستگیری دزدان برای کارمندان نظمیه نه برای حفظ برقراری نظم و امنیت عمومی بلکه برای سر کیسه کردن آن‌ها بوده است. بدین گونه زمانی که سرقتی رخ می‌داد صاحب مال دو کار می‌توانست انجام بدهد یا خود به دنبال مالش بگردد یا آن سرقت را به نظمیه خبر دهد. که در حالت دوم صاحب مال به این امر واقف بود که در صورت پیدا شدن دزد چیزی به دست او نخواهد رسید (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۶۹). نظمیه در ظاهر و نه در باطن به شکل دول غربی بوده و به مانند همان پلیس سنتی عمل می‌کرد. یعنی همان شریک دزد و رفیق قافله. عبدالحسین سپهر می‌نویسد: «به جهت آن تقلب و خیانت‌های که کنت دو مونت به این شغل نمود و مواجب پلیس را خوردند و ناچار امر معیشت پلیس منحصر به دزدی و قمار بازی رسید» (سپهر، ۱۳۸۵: ۸۰).

وضعیت زندان‌ها(انبار)

در همه ادوار تاریخ ایران برای مجازات کردن خاطیان و مبحوس کردن آن‌ها معمولا مکانی را به آن اختصاص می‌دادند که به اسم زندان شناخته شده است. در دوره قاجار نیز این مکان‌ها وجود داشت که به آن‌ها «انبار» می‌گفتند. ناظم الاسلام کرمانی در خصوص زندان‌های این دوره چنین می‌نویسد: «زندان عبارت است از اطاق تاریک مرطوبی و کثیف که در آن جز کنده‌ای برای پا و زنجیر برای گردن و پشه و کیک و شپش و ساس هیچی پیدا نمی‌شد. غذا شامل نان خشک و مقداری آب به ندرت یافت می‌شد به گونه‌ای که باعث ادرار نشود» (کرمانی، ۱۳۵۷: ۴۱۳). به خاطر محیط غیر بهداشتی زندان‌ها کمتر اتفاق می‌افتاد که هر کسی جان سالم به در ببرد. استفاده از کنده و زنجیر در واقع برای آزار و اذیت زندانی در زندان استفاده می‌شد و بعضی مواقع هم به دلیل سیستم ناقص امنیتی زندان‌ها بود. معمولا در وسط زندان‌ها چاهی بسیار عمیق حفر می‌شد برای کسانی که به هر دلیل می‌مردند جسد آن‌ها را در چاه می‌انداختند. خدمه زندان را دوساق بان و نسقچی می‌گفتند که وظیفه اجرای احکام را در زندان بر عهده داشتند (شهری، ۱۳۷۱: ۱۲۲). اگر زندانی پول داشت می‌توانست با پرداخت آن از جرایم خلاصی یابد. اما در صورت نداشتن پول مجازات سختی در انتظارش بود و لباسی که بر تن داشت به عنوان عایدی نگهبان زندان از او گرفته می‌شد. فلور وضعیت زندانی‌ها را در زندان‌های این دوره بسیار بد بیان می‌کند (فلور و بنانی، ۱۳۹۰: ۲۹). برای زن‌ها که محکوم به حبس می‌شدند عمدتا زندان و بازداشتگاه خاصی وجود نداشت. به همین دلیل زن‌ها و افراد بالا مقام را در خانه مجتهد توقیف می‌کردند (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۹۴). یک مشکل اساسی در این دوره این بود که تا قبل از نظمیه هر شخص بلند پایه مملکت خود یک زندان شخصی داشت و هر شخصی را به حق یا ناحق مورد مجازات قرار می‌داد و او را به فلک می‌بست (کارلا سرنا، ۱۳۶۲: ۱۲۴). این اقدام حتی بعد از تاسیس نظمیه نیز بود. مانند قتل فجیع شاهزاده قاجاری توسط کدخدا که ناصرالدین خطاب به کنت دو مونت اعلام می‌کند که محبس‌های شخصی بسته و فقط محبس‌های دولتی باز باشد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۵۴۷). این نشان دهنده آن است که نظمیه در زمینه زندان‌ها هم موفقیت نداشته است. ولی باید گفت که در این زمان زندانیان وضع بهتری به نسبت گذشته داشتند. یکی از مجازات‌های سختی که برای زندانی‌ها توسط نظمیه صورت می‌گرفت دار زدن بود. اینگونه که شب آخر متهم را به اتاق مخصوص که در زندان بوده می‌بردند و به او چلو کباب می‌دادند. بعد مشغول نماز خواندن می‌شد. سپس وصیت می‌نوشت. صبح تاریک او را به محل حکم می‌بردند و او را وادار می‌کردند که شهادتین بخواند. در این موقع رئیس نظمیه پیش او رفته و بعد از سلام و تعارف کردن سیگاری برای وی روشن می‌کرد بعد از آن حکم محکمه توسط منشی دادگاه قرائت و آن شخص به دار آویخته می‌شد (شهری، ۱۳۷۱: ۳۹۹).

## نتیجه‌گیری

با وجود تشکیلات جدید(نظمیه) وضعیت امنیت در تهران نسبت به قبل چندان فرقی نکرد و پلیس نقش چندان‌ی در برقراری نظم و امنیت نداشت و تقریباً در سراسر کشور از مفهوم امنیت اثری نبود و همچنان ظلم و ستم، راهزنی و تجاوز به جان و مال و ناموس مردم رواج داشته است. اما پلیس جدید توانست برخلاف داروغه و زیر دستانش، در حل زدو خوردها و اختلافات و همچنین دستگیری دزدان و مجازات کردن آن‌ها نقش موثرتر و کارآمدتری ایفا کند و به نحوه‌ای رسیدگی جرایم و دعاوی مردم هم نظم و ترتیب دهد. آنچه مشخص است کنت نتوانست امنیت را در شهرها کاملاً برقرار سازد. او از لحاظ کارکرد امنیتی هم موفق نشد کاری از پیش ببرد؛ زیرا نه مردم حاضر به تسلیم محض به قانون نبودند و نه صاحبان قدرت اجازه می‌دادند ذره‌های از نفوذشان کاسته شود و نه خود شخص کنت در این کار همتی داشت. در کنار این مسائل باید گفت که ایران آن روز از دیدگاه تمدن جدید هنوز یکی از عقب مانده‌ترین کشورهای آن روزگار بوده است و نداشتن برنامه‌های معقول و زیر ساخت‌های لازم از جمله راه‌های ارتباطی و فقدان وسایل نقل و انتقال بر عقب ماندگی آن اضافه می‌کرد. آن چیزی که کنت را بنا بر مفهوم این پژوهش ناامید از انجام وظایف خود کرده بود علاوه بر وجود مخالفان مختلف در عصر قاجاری، نبودن امکانات لازم برای بزرگ کردن اداره نظمیه برای پوشش دادن کل شهر زیر نظر آن، عدم برنامه‌ریزی در پرداخت حقوق کارمندان و بودجه نامشخص آن‌ها، وجود حضور سازمان‌های نظامی مشابه چون قزاقخانه، فساد نیروی نظمیه و خودسری افراد این اداره می‌باشد. آنچه مسلم بود نیت کنت تاسیس یک نیروی انتظامی قدرتمند به مانند غرب بود. اما ساختار سنتی و عقب افتاده‌ای قاجار مانع از پیشرفت چنین اداره‌ای در آن روزگار می‌شد. پس ماموران بی‌مزد و مواجب به جای اینکه بتوانند آرامش و امنیت مردم را فراهم کنند از طریق زور، ستمگری، حيله و نیرنگ دمار از روزگار مردم بیچاره در آوردند و امرار و معاش می‌کردند. در واقع آن‌ها روزی خود را نه در کار صادقانه و خدمت به مردم بلکه در متهم کردن مردم به کار خلاف عرف می‌دیدند. باید گفت نظمیه از این جهت که توانست بر مناصب سنتی گذشته چون داروغه، کلانتر، گزمه... پای بگذارد و به یک سازمان مهم امنیتی و نوینی تبدیل شود که در آن پلیس قوی با لباس متحدالشکل شکل گیرد بسیار ارزشمند بود. اما از این جهت که در راس ساختار نیروی پلیس اشخاص بیگانه قرار داشت، موجب نارضایتی و بی‌اعتمادی درباریان، بزرگان، علما و مردم به آن گشته بود و آن سازمان را عملاً ناکارآمد گردانید.

## منابع و ماخذ

- ≠ اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷). اینجا طهران است؛ مسئله امنیت در تهران عصر ناصری و وظایف پلیس، تهران: تاریخ ایران.
- ≠ آدمیت، فریدون (۱۳۶۲). امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- ≠ اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، جلد ۳، تهران: دنیای کتاب.
- ≠ اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
- ≠ اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳). المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، به کوشش ایرج افشار، جلد ۱ و ۲، تهران: اساطیر.
- ≠ امین‌الدوله، علی (۱۳۷۰). خاطرات سیاسی امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: امیرکبیر.
- ≠ دیولافوا، ژان (۱۳۷۱). ایران، کده و شوش، علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- ≠ سیفی‌تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲). نظم و نظمیه در دوره قاجار، تهران: یساولی.
- ≠ فلور، ویلم، بنانی، امین (۱۳۹۰). نظام قضایی عصر و قاجار و پهلوی، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ≠ کرزن، جرج (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، جلد ۱، تهران: علمی فرهنگی.
- ≠ کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۵۷). تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعید سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ≠ کارلا سرنا، مادام (۱۳۶۲). آدمها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی جا: زوار.
- ≠ شیخ‌رضایی، انیسه، آذری، شهلا (۱۳۷۷). گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، جلد اول و دوم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ≠ شهری، جعفر (۱۳۷۱). طهران قدیم، جلد اول، تهران: معین.
- ≠ شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷). ایران در دوره قاجار، تهران: بهزاد.
- ≠ صفائی، ابراهیم (۲۵۳۵). اسناد سیاسی دوران قاجار، تهران: بابک.
- ≠ عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، جلد ۱ و ۲، تهران: اساطیر.
- ≠ مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). شرح زندگانی من، جلد ۳، تهران: زوار.

≠ فووریه، ژوانس(بی تا). سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: دنیای کتاب.

≠ کاساکوفسکی، و.ا. (۲۵۳۵). خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: سیمرغ.

≠ دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). حیات یحیی، جلد اول، تهران: عطار و فردوسی.

≠ حسن بیگی، محمدرضا (۱۳۷۷). تهران قدیم، تهران: منصوری.

≠ کسروی، احمد (۲۵۲۳). تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران، امیر کبیر.

≠ افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

≠ سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۵). مرآت الوقایع مظفری، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.

≠ اوین، اوژن (۱۳۶۲). ایران امروز، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.

≠ ناصرالدین شاه (۱۳۶۲). سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ، با مقدمه عبدالله مستوفی، اصفهان: مشعل.

≠ یکرنگیان، میرحسین (۱۳۳۶). گلگون کفنان، تهران: کتابفروشی محمدعلی علمی.

